

نصيحة

نصحت

الجهاد يجب أن يكون لله وفي سبيل الله ولإعلاء كلمة الله، فالمنظور هو الله سبحانه وتعالى وإرادته، وهكذا جماعة تقاتل في سبيل الله ولإعلاء كلمة الله سبحانه سيكون الله معها وفيها وسيكون قتالهم قتال الله ومن يقاتلهم يقاتل الله.

جهاد باید برای خدا و در راه خدا و برای برافراشتن کلمه‌ی الله باشد؛ پس آنچه مدّ نظر است، خداوند سبحان و متعال و خواست و اراده‌ی او می‌باشد، و به این ترتیب گروهی که در راه خدا و برای اعتلای کلمه‌ی الله پیکار می‌کنند خداوند سبحان همراه آنها و در این جماعت خواهد بود و به این ترتیب پیکار آنها، پیکار خدا است، و کسی که با آنها به جنگ برخیزد، با خدا به جنگ برخاسته است.

أما من يقاتل لأجل الأرض أو اللسان (القومية) فليبحث عمّن يؤجره غير الله سبحانه وتعالى؛ لأنّ الله يعطي الأجر لمن يقاتل في سبيله سبحانه وتعالى.

اما کسی که به خاطر سرزمین یا زبان (قومیت) مبارزه می‌کند، به دنبال کسی غیر از خداوند سبحان و متعال می‌باشد که به او پاداش دهد؛ زیرا خداوند به کسانی پاداش می‌دهد که در راه او سبحان و متعال مبارزه می‌کنند.

وربما يتوّهّم بعض من أنسوا الأسباب المادية أن هكذا مشروع جهادي خيالي أو مثالي غير قابل للتطبيق في الساحة العالمية ولو طبقناه فلن يحقق نتائج لقلّة الناصر وكثرة العدو. ولكن من يحسب ويحتسب الله لن يرى إلاّ الله ورضاه سبحانه وتعالى دونما اعتبار للمعادلات السياسية والاقتصادية والعسكرية القائمة على الساحة العالمية اليوم، وهكذا كان الأنبياء ﷺ فلم يكن جيش طالوت كفوّاً لجيش جالوت مادياً، ولم يكن مع موسى ع ما يواجهه به آله فرعون العسكرية الضخمة إلاّ الله سبحانه وتعالى وهو أكبر من كل شيء، ولكن عند الذين آمنوا إيماناً حقيقياً به وبقدرته سبحانه وتعالى، ولا مكان في ساحات الأنبياء والأوصياء ﷺ للمداهنة والممالأة؛ لأنّ هدفهم ليس النصر المادي كما يتوهم كثير من الناس، بل هدفهم هو نصره الله سبحانه وتعالى:

و شاید برخی از آنانی که علل و اسباب مادی را فراموش کرده‌اند چنین متوهم شوند که چنین عملی جهادی، خیالی یا مثالی است و در سطح این جهان قابل پیاده‌سازی نیست و اگر ما آن را اجرا و پیاده کنیم به خاطر کم بودن یاوران و بسیار بودن دشمنان نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. اما هر کس خداوند برایش کافی باشد و به خدا تکیه کند، جز خدا و رضایت او سبحان و متعال چیزی نمی‌بیند، بدون اینکه معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی که امروز در سطح جهانی مطرح است در نظرش اعتباری داشته باشد. انبیا علیهم‌السلام این‌گونه بودند؛ لشکر طالوت از نظر مادی با لشکر جالوت برابر نبود و همراه موسی ع چیزی نبود که با ادوات جنگی گسترده‌ی فرعون رویارو شود، مگر خداوند سبحان و متعال که از هر چیزی بزرگ‌تر است؛ اما در نظر آنان که به او و به قدرت او سبحان و متعال حقیقتاً ایمان دارند، در عرصه‌ی انبیا و اوصیا علیهم‌السلام جایی برای سازش و نرمش وجود ندارد؛ زیرا هدف آنها، آن‌گونه که بسیاری از مردم می‌پندارند، پیروزی مادی نیست، بلکه هدف آنها یاری و نصرت خداوند سبحان و متعال می‌باشد:

﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَآشْهَدُ بَأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (1).

((چون عیسی کفر آنها را دانست، گفت: چه کسانی یاران من در راه خدا هستند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم، به خدا ایمان آوردیم و گواه باش که ما تسلیم‌شدگانیم)) (۲).

فلا نجدهم علیهم‌السلام داهنوا الظالمين أو المنافقين أو جاملوا بعض الكافرين ليحققوا نصراً مادياً بل العكس من ذلك تماماً، فعبد الله بن عباس يرى أن المصلحة المادية لتستقيم خلافة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع هو بمداهنة معاوية (لعنه الله) ولو لأيام قليلة ثم استدعاه الى المدينة المنورة وعزله من ولاية الشام وبهذا تستقيم الأمور لعلي ع، وربما كل من يحسب ويحتسب المادة يرى أن رأي ابن عباس حكيم وهو يحقق مصلحة كبرى للإسلام، أمّا علي ع فلا يدهن معاوية ساعة واحدة ويقر عزله في الحال؛ لأنّ الله لا يرضى إقرار ظالم على ظلمه ولو لحظة واحدة وربما خسر علي ع الشام بهذا الموقف الحازم ولكنه ربح الله سبحانه وتعالى ورضاه.

پس آنها علیهم‌السلام را این‌گونه نمی‌یابیم که با ستمگران یا منافقین سازش کنند، یا با برخی از کافران به دروغ اظهار دوستی کنند تا پیروزی مادی را به دست آورند، بلکه درست عکس آن عمل

1- آل عمران: 52.

2- آل عمران: 52.

می‌کنند. عبد الله بن عباس چنین می‌پندارد که از نظر مادی صلاح حکومت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ع در این است که با معاویه (که لعنت خدا بر او باد) سازش کند تا خلافتش پایدار شود حتی اگر برای چند صباحی باشد، سپس او را به مدینه‌ی منوره فرا خواند و او را از ولایت شام عزل نماید و به این کُرسی امور برای علی ع سامان می‌یابد. چه بسا کسی ماده را می‌بیند و معادلاتش مادی باشد، نظر ابن عباس را موافق با حکمتی ببیند که مصلحتی بزرگ برای اسلام به ارمغان آورد، اما امام علی ع حتی ساعتی با معاویه سازش نمی‌کند و به سرعت اقدام به عزلش می‌نماید؛ چرا که خداوند به باقی ماندن ظالم بر ظلمش حتی برای یک لحظه راضی نمی‌شود؛ چه بسا علی ع در چنین موقعیت خطیری شام را از دست بدهد ولی او فقط از خداوند و رضایت او سود و بهره می‌برد.

وكذلك الحسين ع فلو أخرج ثورته الإلهية الكبرى ثلاث سنوات، أي حتى موت يزيد بن معاوية لعنه الله لاستقامت الأمور للحسين ع ولتحقق له النصر المادي، ولكنه اختار الله سبحانه وتعالى ولم يداهن الظالمين والفاسقين:

به همین صورت اگر حسین ع نیز انقلاب الهی بزرگ خود را سه سال به تأخیر می‌انداخت -یعنی تا مرگ یزید بن معاویه که لعنت خدا بر او باد فرا برسد- امور به نفع امام حسین ع رقم می‌خورد و پیروزی مادی برایش به وقوع می‌پیوست؛ اما او خداوند سبحان و متعال را برگزید و با ستم‌کاران و فاسقان و نابکاران سازش نکرد:

﴿فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ * وَدُوا لَوْ تَذَهْنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (3).

((پس، از تکذیب‌کنندگان، اطاعت مکن * دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی کنند)) (4).

والمعادلة اليوم هي نفس المعادلة تدهن فيدهنون، ترضى عن أمريكا فترضى عنك أمريكا، تمدح مشروع أمريكا فتمدحك أمريكا، وكذلك ترضى عن الله فيرضى عنك الله وتمدح مشروع الله فيمدحك الله، فأختر ما تريد أن تمدح في الملأ الأمريكي وفي الأمم المتحدة الأمريكية وربما يتفضلون عليك بجائزة نوبل للسلام، أو أن تمدح في الملأ الأعلى عند الله سبحانه وتعالى.

3- القلم : 8 - 9.

4- قلم: 8 و 9.

معادلات امروز همان معادله‌ی مدارا کن تا مدارا کنند می‌باشد؛ از آمریکا راضی می‌شوی تا آمریکا هم از تو راضی شود، طرح آمریکا را تحسین می‌کنی و آمریکا تو را تحسین می‌کند، و به همین ترتیب از خداوند راضی می‌شوی تا خداوند هم از تو راضی شود، و اگر طرح و آیین خداوند را ستایش کنی، خداوند هم تو را ستایش خواهد نمود؛ پس انتخاب کن که چه می‌خواهی: اینکه در آمریکا و در میان ملل متحد با آمریکا تو را ستایش و شاید تو را با جایزه‌ی صلح نوبلی سرافراز کنند، و یا در ملا اعلیٰ نزد خداوند سبحان و متعال مدح و ستایش شوی!

* * *